خانه خورشید

مروری بر تاریخچه ضریح‌های مضجع منور رضوی به‌مناسبت سالروز نصب آخرین ضریح

دست بردن سمت پنجره‌های مُشبک نقره، عطر گلاب و گل و زمزمه «السلام‌علیک یا حبیب» وقتی همه هیچ می‌شوند و مرکز جهان، حرم است، حال‌وهوایی دارد که هر زائر و مجاوری در همسایگی ضریح تجربه می‌کند؛ حسی گم اما آشنا که تعریفی برایش نیست. تنها باید ایستاد و تماشا کرد و از همه نورها، زمزمه‌ها و رنگ‌ها حظ برد. فرارسیدن بیستمین سالروز نصب آخرین ضریح حرم، بهانه‌ای شد تا در سطرهای پیش‌رو، تاریخ ضریح‌های نصب‌شده بر مزار مبارک حضرت‌رضا(ع) را از دوره صفویه تا عصر معاصر مرور کنیم.



حکایت صندوق‌ها و ضریح‌ها

از تاریخچه پیدایش ضریح و تغییر و تحول آن به‌شکل کنونی، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما استفاده از ضریح به‌معنای «اتاقک» و «صندوق» از قرن نخست قمری رایج بوده است. پیشینه ضریح به شکل کنونی، به دوره صفویه بازمی‌گردد. طبق اسناد تاریخی، قدمت نخستین ضریح ساخته‌شده بر مزار امام‌رضا(ع) به دوران شاه‌اسماعیل صفوی پهلو می‌زند اما شاید جالب باشد که بدانید پیش‌از ساخت ضریح روی مزار، آرامگاه بزرگان، امامان و امامزادگان را با صندوقی که بر سنگ قبر نصب می‌شده است، حفظ می‌کرده‌اند. بعدها که ضریح‌ها ساخته شدند، این صندوق‌ها همچنان استفاده می‌شدند. طبق آمار و اسناد، تاکنون ۴صندوق و ۶ضریح برای حرم مطهر حضرت‌رضا(ع) ساخته شده است که در سطرهای بعد، به تاریخ هرکدامشان اشاره می‌کنیم.

تکریم مزار پیشوایان با نصب صندوق

پیشینه ساخت صندوق بر مزار مشاهیر و بزرگان به‌درستی مشخص نیست اما قدرت‌گیری سلسله‌های شیعی چون آل‌بویه در ایران، از عواملی است که می‌تواند سبب ظهور تمایلات شیعی از جمله ساخت صندوق‌ها شده باشد. به اعتقاد برخی، ساخت و نصب صندوق، قدمتی فراتر از ساخت ضریح دارد و این نمادها زمینه‌ساز ایجاد نمادهای بزرگ‌تر و باشکوه‌تر مانند ضریح‌ها بوده‌اند. صندوق برای مشخص‌کردن حدود مقبره و ایجاد اختلاف سطح بین قبر و زمین به‌کار می‌رفته است. به همین دلیل معمولا محفظه‌هایی به‌شکل مکعب‌مستطیل با ابعاد طولی ۲/۵ متر در ۱۲۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۱/۵ متری می‌ساخته‌اند تا به‌وسیله آن، مزار ائمه و بزرگان دینی را از دیگران متمایز کنند.

شفای انوشیروان و ساخت دومین صندوق

محمدبن‌منور در کتاب «اسرارالتوحید» و همچنین الفارسی در کتاب «تاریخ نیشابور» آورده‌اند که در قرن چهارم هجری، طرفداران حکومت عباسی در رقابت با شیعه قصد داشته‌اند صندوقی بر گور هارون‌الرشید نصب کنند که قاضی صاعد، از فقیهان حنفی شهر نیشابور، مانع آنان می‌شود. این ماجرا روشن می‌کند که قطعا در نیمه دوم قرن چهارم هجری، صندوقی بر مرقد امام‌رضا(ع) نصب بوده است.

از نوشته‌های کتاب «الثاقب‌فی‌المناقب» (تألیف حدود ۵۶۰ق) نیز معلوم می‌شود که انوشیروان مجوس اصفهانی که به بیماری برص مبتلا بوده است، پس از تضرع بر مزار حضرت‌رضا(ع) شفا می‌یابد و اسلام می‌آورد و بر مرقد امام(ع)، شبه‌صندوقی قرار می‌دهد. روی این صندوق چوبی را با صفحات نقره تزیین کرده بودند و ۴ ترنج نقره‌ای نیز روی آن قرار داشته است.

شاه‌عباس اول، دستور ساخت سومین صندوق را داد

سومین صندوقی که در منابع تاریخی به آن اشاره شده است، صندوق عباسی است. شاه‌عباس اول (۹۷۸-۱۰۳۸ق) بعداز بازپس‌گیری مشهد از ازبکان مهاجم در اواخر سده دهم هجری، در سفرهایی که به این شهر داشته است، تلاش می‌کند خرابی‌های مهاجمان را بازسازی و حرم مطهر را آباد کند.

نصب صندوق چوبی بر مزار حضرت در سال ۱۰۲۲ق، یکی از کارهای مهم او در این سفرهاست. او صندوقی از چوب فوفل با روکش و میخ‌هایی از طلا نصب کرد. گویا این صندوق دارای الواح زرینی بوده که در عهد صفویه تهیه و بر آن نصب شده است. باوجود صدمات واردشده به صندوق و کتیبه‌های آن، امروز از صندوق عباسی ۲۱عدد کتیبه طلایی به خط ثلث و نستعلیق در موزه و خزانه آستان قدس باقی مانده است.

صندوق سوم به مرحله پوسیدگی رسید

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پس از این و در دوره‌های افشاریه و قاجار، به‌دلیل فرسودگی و اضمحلال صندوق عباسی، برای حفظ و مرمت آن تلاش شده است. این کوشش تا ابتدای دهه دوم حکومت پهلوی نیز ادامه داشته است. در فاصله سالهای ۱۳۰۴ تا۱۳۱۴ یعنی دردوران نیابت محمدولی اسدی به تولیت آستان قدس‌رضوی، موضوع فرسایش و پوسیدگی صندوق موردتوجه جدی قرار می‌گیرد. او برای تهیه و ساخت صندوق جدید، چندبار با افرادی مکاتبه می‌کند اما این اقدامات و پیگیری‌ها به نتیجه نمی‌رسد.

به‌مرور پوسیدگی صندوق به اندازه‌ای می‌رسد که ممکن بوده از هم متلاشی شود. اسدی در سال ۱۳۱۱ش، گزارش مشروحی از وضعیت صندوق برای رضاشاه پهلوی ارسال می‌کند و اجازه کتبی شاه را برای تعویض صندوق در تاریخ ۳۰آبان همان سال دریافت می‌کند.

ابتدا تصمیم گرفته می‌شود که صندوق به‌طور کامل برداشته و به موزه منتقل شود اما به‌دلیل پوسیدگی بیش‌از حد و فاسدشدن چوب‌ها براثر رطوبت، طلا و نقره صندوق را از چوب‌های پوسیده تفکیک و میزان آن را مشخص می‌کنند. این کار با حضور تعدادی از علما و رجال برجسته مشهد و رؤسای ادارات و مقامات دولتی انجام می‌شود. طبق اسناد در ۸جلسه‌ای که این کمیسیون تشکیل می‌دهد، علاوه‌بر طلاهای صندوق، طلا و نقره ضریح و شبکه سیمی بالای ضریح نیز تجزیه و توزین می‌شود. پس از آن، علما و حاضران در جلسه نظر می‌دهند که چون طلا و نقره‌های صندوق و ضریح، براساس موازین شرع، وقف قبر مقدس امام(ع) است، از آن‌ها به‌منظور تهیه و ساخت ضریح جدیدی استفاده شود و ۲ ضریح فولادی و مرصع که وجود آن‌ها ضرورتی ندارد، برچیده شود.

صندوق چهارم با دستان حاج‌حسین حجارباشی ساخته شد

ماجرای ساخت چهارمین صندوق مزار حضرت‌رضا(ع) نیز از این قرار است: سال ۱۳۰۸شمسی حاج‌حسین حجارباشی‌زنجانی، خادم کشیک سوم آستان قدس که حجار بنامی بوده است، ازطرف رضاشاه پهلوی مأمور می‌شود که برای حجاری ساختمان آرامگاه فردوسی به مشهد بیاید. در سال ۱۳۰۹ با دستور اسدی، که اجازه شفاهی شاه را برای مرمت صندوق گرفته بود، حاج‌حسین حجارباشی مأمور ساخت صندوق جدید می‌شود.

کار تهیه صندوق سنگی، ۲ سال طول می‌کشد. در سال ۱۳۱۱ اسدی گزارش می‌دهد که سنگ‌های مناسب مرمر، از معدن شاندیز توسط حاج‌حسین حجارباشی کشف شده و او به خرج خود، صندوق سنگی را تهیه و آماده کرده است. این صندوق از جنس مرمر و به رنگ سبز لیمویی بود و طوری صیقلی شده بوده که مانع نور نشود. آن‌طور که نوشته شده طول این صندوق ۲/۱۰سانتی‌متر، ارتفاع آن ۹۵سانتی‌متر و مرکب از ۱۴قطعه سنگ بوده است. روی یکی از سنگ‌های آن هم اشعاری نقش بسته بوده که حکایت از ترمیم و تجدید صندوق داشته است. از دیگر ویژگی‌های این صندوق، وجود چراغ برقی ۵۰۰شمعی در داخل آن بوده است که سبب می‌شده صندوق، جلوه و شکوه خاصی داشته باشد. البته این چراغ همواره روشن نبوده و در مواقع خاص، مثل شب‌های تولد ائمه(ع)، تابان می‌شده است. درجریان نصب صندوق سنگی تصمیم گرفته شد که ضریح طلاکوب به‌کلی برداشته و داخل ضریح نیز تسطیح و تعمیر شود. ازآنجاکه انتقال صندوق به داخل ضریح ممکن نبود، مقرر شد ضریح مرصع نیز کمی از سطح زمین بلند شود. این صندوق تا سال ۱۳۷۹ بر مزار امام (ع) نصب بود تا اینکه درجریان تعویض ضریح چهارم، برداشته و به‌جای آن، سنگ مرمر سبزرنگی نصب شد.

ضریح‌های حرم

در فرهنگ‌های لغت، از ضریح به‌عنوان خانه‌ای چوبین و مشبک یاد شده است که از مس و نقره و مانند آن ساخته می‌شود و آن را بر سر قبر امامان و امامزادگان قرار می‌دهند. ایجاد فضای بیشتر برای زیارت، حفظ نذورات و هدایای مردم، ایجاد حائل برای جلوگیری از آسیب‌دیدن مرقد و بردن خاک آن به‌عنوان تبرک و حفاظت از صندوق نصب‌شده بر مرقد، از مهم‌ترین هدف‌های ساخت این نماد مذهبی است. خوب است بدانید برخلاف صندوق‌ها که اجزای متنوع و پیچیده‌ای نداشته‌اند، یک ضریح به‌صورت کلی از ۱۵قسمت تشکیل می‌شود؛ پاکاره‌های سنگی، ستون‌ها، بدنه و اسکلت، محرابی‌ها، گوی‌ها و ماسوره‌ها، لچکی‌ها، کتیبه‌ها، حواشی برجسته‌کاری، مشبک‌های طلایی، سقف و کتیبه‌های سقف، درِ ضریح، زهوارها، میخ‌های تزیینی، گلدان‌ها، نقاشی‌های داخل ضریح و پارچه روی سقف (شیروانی‌پوش). البته ممکن است در ضریح‌های ساده، برخی از این بخش‌ها همچون کتیبه‌های طلا و نقره یا نقاشی‌های داخل ضریح، گلدان‌ها و مشبک‌های طلایی وجود نداشته باشند. همچنین اسناد نشان می‌دهند که در طول زمان، وسایل و اشیای نفیس متعددی بر ضریح‌های مرقد مطهر امام‌رضا(ع) نصب شده است که جزو شاکله اصلی این سازه نبوده و بعدها در ادوار مختلف به آن منسوب یا منظم شده است؛ ازجمله ترنج‌ها، شیر علم، قبه‌های چهارگوشه ضریح، قبه‌های وسط ضریح، سرطوق، درِ مرصع، لاله‌های نقره صفحه‌های طلایی منقوش و شمعدانی‌های طلا که به‌صورت دائم بر این سازه نصب بوده‌اند یا اشیایی که موقتی بر ضریح آویخته شده‌اند، مثل شمامه‌های طلا و نقره، کارد طلای منبت‌کاری، تسبیح نقره، قندیل‌های نقره، جقه طلا، زیارت‌نامه، پنجه‌های طلا و نقره، گل‌های طلا و چشمک‌های طلا و نقره.

ضریح نخستین: ضریح دوره شاه اسماعیل صفوی

براساس منابع تاریخی، نخستین پوشش بر مرقد امام‌رضا(ع) همان است که ابن‌بطوطه در سفرنامه خود از آن یاد می‌کند و احتمالا همان صندوقی است که سال ۵۰۰ق صاحب کتاب «روضات» نیز از آن یاد کرده و اشاره می‌کند که: «نویسنده کتاب ثاقب‌المناقب نقل کرده که انوشیروان مجوس اصفهانی از بزرگان دربار سلجوقی که در زمان سلطان سنجر شفا یافته بود، بر مرقد رضوی، صندوقی از نقره ترتیب و تقدیم نمود.» اما برای یافتن اطلاعاتی درباره نخستین ضریح باید به‌سراغ اسناد و مکاتبات ردوبدل‌شده میان شاه‌اسماعیل اول صفوی و شیبک‌خان ازبک، از اعقاب جوچی پسر چنگیز، نیز رفت. این اسناد حکایت از آن دارند که شاه‌اسماعیل در زمان حکومتش، ضریحی به وزن ۷۰مَن ساخت که با انواع جواهرات تزیین شده بود. در حال حاضر از این ضریح اثری در دست نیست.

دومین ضریح: محجر طلای شاه تهماسب اول صفوی

وجود کتیبه‌ای که تاریخ ۹۵۷ ق روی آن حک شده است، به نصب محجری طلایی توسط شاه تهماسب صفوی اشاره دارد. همچنین استفاده چندباره از واژه «ضریح» در رویدادهای مربوط به تاریخ مشهد در منابع این دوران، نشان می‌دهد که در نیمه دوم قرن دهم هجری، ضریح دیگری بر مرقد امام‌رضا(ع) نصب شده است که بیشتر نویسندگان، جنس آن را چوبی با تسمه‌های فلزی و پوششی از صفحات طلا و نقره توصیف کرده‌اند. بعضی نوع چوب این ضریح را از شمشاد و برخی از چوب صندل می‌دانند.

در سندی به سال ۱۱۵۲ق آمده است: «در ۴ گوشه این ضریح، ۴ قبه نصب است که وزن آن‌ها را نمی‌توان تعیین کرد.» اکنون از این ضریح، چند کتیبه طلایی و مشبک باقی مانده که طبق شواهد بر پیشانی آن نصب بوده است. این ضریح تا سال ۱۳۱۱خورشیدی بر مرقد امام نصب بود تا اینکه به‌دلیل فرسودگی، به‌همراه صندوق شاه عباسی، از جایش برداشته شد.

ضریح سوم: ضریح فولادی دوره شاه‌سلطان حسین صفوی

نداشتن کتیبه بانی یا واقف و نیز ذکر نشدن تاریخ ساخت در این ضریح سبب شده است قدمت آن تاکنون نامعلوم و مغشوش بماند اما در سال‌های اخیر، تعدادی سند مربوط به سال‌های ۱۱۱۱ تا ۱۱۱۵ق و زمان حکومت شاه‌سلطان حسین صفوی به دست آمده که در آن‌ها به‌صراحت به ساخت ضریح در این زمان اشاره شده است. این ضریح تا سال ۱۳۳۸ش در مرقد امام‌رضا(ع) نصب بوده است. اما در این سال، هنگام نصب «ضریح شیر و شکر»، به‌طور کامل از جایش برداشته و به خزانه منتقل می‌شود. براساس اطلاعات موجود، بیشترین نفایس منصوب در ضریح، روی این سازه قرار داشته، آن‌چنان‌که درمجموع ۶شیء ارزشمند و قیمتی در تزیینش به کار رفته است؛ شیر علم طلا و مرصع، طوق طلای مرصع، قبه‌های کنار سرطوق مرصع، قبه‌های چهارگوش ضریح، درِ مرصع و لاله‌های نقره، ازجمله تزیینات این ضریح هستند.

ضریح چهارم: ضریح نگین‌نشان نادری

این ضریح مرصع در دوره نادرشاه افشار و برای مقبره وی ساخته می‌شود اما بعدها شاهرخ افشار آن را وقف حرم می‌کند تا بر مزار حضرت‌رضا(ع) نصب شود. در کتیبه طلاکوب بالای سر این ضریح به خط نستعلیق چنین نوشته شده است: «نیازمند رحمت ایزد مستعان و تراب اقدام زوار این آستان ملائک پاسبان (سبط) سلطان نادرشاه شاهرخ‌شاه الحسین‌الموسوی‌الصفوی بهادرخان به وقف و نصب این ضریح و قبه‌های مرصع ۴گوشه ضریح مقدس مبارک موفق گردید. سنه ۱۱۶۰»

جالب است بدانید که مؤلف «جنات ثمانیه» در سال ۱۳۳۱ق (اواخر دوره قاجار) در کتابش از وجود جواهراتی مانند ۴ دانه یاقوت و یک دانه زمرد در گوی‌های این ضریح خبر می‌دهد اما ۲۰سال بعد از این تاریخ به گزارشی که نویسنده کتاب مؤتمن در سال ۱۳۱۱شمسی نوشته، از این جواهرات خبری نبوده است؛ زیرا جواهرات و اشیا و تزیینات این ضریح در عهد افشاری مورددستبرد قرار می‌گیرد و به نوشته اعتمادالسلطنه، جانشینان نادر پس‌از قتل او به ضریح مطهر تعرض می‌کنند. اما به نوشته بهبهانی، جمعی از مؤمنان به سرپرستی سیدمحمدمهدی خراسانی، متولی آستانه، طلا و جواهرات را پس می‌گیرند و دوباره ضریح را تزیین می‌کنند. ضریح مرصع از تاریخ نصب (۱۱۶۰ق) به مدت حدود ۷۳سال، روی مرقد امام(ع) قرار داشته و زیارت می‌شده است، تا اینکه در تاریخ ۱۲۳۳ق درکنار ضریح قبلی و در قسمت بیرونی نصب می‌شود.

ضریح پنجم: ضریح شیر و شکر

ضریح شیر و شکر، پنجمین ضریحی است که روی قبر حضرت‌رضا(ع) نصب شده است. وجه تسمیه این ضریح به «شیر و شکر» به‌دلیل استفاده از طلا و نقره در پوشش بیرونی آن است. ساخت این ضریح در دوره نیابت سیدجلال‌الدین تهرانی در دستورکار قرار می‌گیرد و برنامه‌ریزی‌های اولیه آن و ارائه نقشه اولیه به دستور وی انجام می‌شود. طی قراردادی که میان نایب‌التولیه وقت و آقایان سیدابوالحسن حافظیان و حاج‌محمدتقی ذوفن در ۱۷ تیرماه ۱۳۳۹ منعقد گردیده، پس‌از تصویب نقشه جامع ضریح، کار ساخت ضریح شروع می‌شود. کار این ضریح در تاریخ ۲۵دی‌ماه ۱۳۳۸ برابر با ۱۷رجب ۱۳۷۹ق، به پایان رسید.

انجام اقدامات و تشریفات نصب این ضریح مصادف بوده با شروع کار نایب‌التولیه جدید، محمد مهران که پس از استعفای فخرالدین شادمان آغاز به کار کرده بود. او در مقاله‌ای با عنوان «ضریح جدید» چگونگی نصب ضریح شیر و شکر را به تفصیل می‌آورد و می‌نویسد: «پس از انجام مشورت لازم با اعضای هیئت ویژه، کار نصب ضریح جدید آغاز گردید و از صبح روز چهارشنبه هشتم بهمن‌ماه ۱۳۳۸ش پس از غبارروبی مرقد مطهر در مدت ۱۷روز، عملیات برداشتن ضریح فولادی و مرمت و تعویض سنگ‌های پای ضریح انجام شد و ضریح دوم تمیز و اصلاح شده به‌وسیله جرثقیل بالا کشیده شد و کف ضریح ترمیم و پس‌از نصب چهارچوبه ضریح جدید شیر و شکر، کار نصب روکش‌ها و قاب‌ها و سقف انجام شد و سرانجام در ساعت ۵/۵ بعدازظهر روز چهاردهم شعبان‌المعظم ۱۳۷۹ق مقارن با شب ولادت حضرت ولی‌عصر(عج) مطابق با ۲۲بهمن ۱۳۳۸ش، در حرم برای زیارت مشتاقان مفتوح گردید.»

این ضریح نیز با آنکه در دوره معاصر بر مرقد امام‌رضا(ع) نصب شده است، ۴ عدد قبه طلا و فیروزه، ۴ شمعدان طلایی و ۴ صفحه طلایی با نقش خوشه انگور نیز دارد. ضریح یادشده تا سال ۱۳۷۹ش در روضه منوره قرار داشته است اما در این تاریخ به‌دلیل نصب ضریح سیمین و زرین، از جایش برداشته شد و به موزه آستان قدس رضوی انتقال یافت.

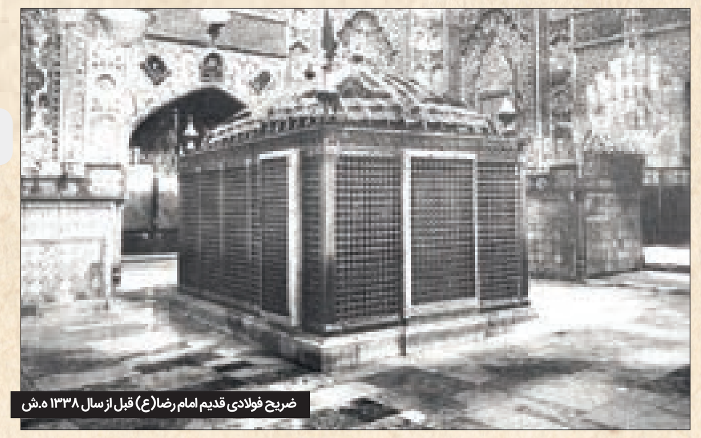
ضریح ششم: ضریح سیمین و زرین

در سال ۱۳۷۲ش به‌دستور تولیت آستان قدس رضوی و براساس طرح ابتکاری استاد محمود فرشچیان، کار ساخت ضریح جدیدی موسوم به «ضریح سیمین و زرین» آغاز می‌شود که در فاصله ۲۱دی تا ۱۶اسفند ۱۳۷۹ بر مرقد امام رضا(ع) قرار می‌گیرد. این ضریح در روز سه‌شنبه ۱۶اسفند، مقارن با عید سعید قربان، رونمایی شد. در ساخت این ضریح ۱۲تُنی، ۴۷کیلوگرم طلا و ۳/۵ تُن نقره استفاده شده است. استفاده از اعداد ۵ و ۸ و ۱۴ در ساختار ضریح به‌طور مشخص نشان‌دهنده پنج‌تن و رتبه صاحب ضریح به‌عنوان هشتمین امام است. وجود ۱۴محراب در ۴ ضلع ضریح که رأس محراب‌ها به کلمه ا... ختم می‌شوند، به چهارده معصوم(ع) اشاره دارد.

نویسندگان این شماره: هما سعادتمند، فاطمه خلخالی‌استاد، حسین بیات و امید حسین‌نژاد

منبع: کتاب «شاه‌اسماعیل صفوی» از عبدالحسین نوایی، کتاب ضریح شیر و شکر از سیدمهدی سیدقطبی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد سعیده جلالیان، اسناد و منابع مرکز اسناد آستان قدس رضوی و دیگر منابع

تاریخ نصب صندوق‌ها و ضریح‌های حرم مطهر امام رضا(ع) در منابع مکتوب



ضریح فولادی قدیم امام رضا(ع) قبل از سال ۱۳۳۸ ه.ش

ضریح نخستین: ضریح شاه‌اسماعیل

سال ساخت و نصب: به روایتی ۵۰۰هجری قمری

جنس: نامعلوم

آثار باقی‌مانده: برخی از تاریخ‌دانان معتقدند که این ضریح در عهد تیموری ساخته و زمان شاه‌اسماعیل صفوی نصب شده است. هم‌اکنون از این ضریح، اثری در دست نیست و تنها در برخی منابع مکتوب، اشاره‌هایی به آن شده که صحت و سقم هیچ‌کدامشان مشخص نیست.

ضریح دوم: ضریح شاه‌تهماسب صفوی

سال ساخت و نصب: ۹۵۷ هجری قمری

جنس: چوب صندل با پوشش نقره‌کوبی (در برخی منابع چوب شمشاد گفته شده است.)

آثار باقی‌مانده: از این ضریح، چند کتیبه طلایی و مشبک باقی مانده که طبق شواهد بر پیشانی آن نصب بوده است.

ضریح سوم: ضریح شاه‌سلطان‌حسین‌صفوی

سال ساخت و نصب: نامعلوم

جنس: چوب صندل با پوشش نقره (در برخی منابع چوب شمشاد گفته شده است.)

آثار باقی‌مانده: این ضریح هم‌اکنون در خزانه آستان قدس رضوی قرار دارد.

ضریح چهارم: ضریح نگین‌نشان نادری

سال ساخت و نصب: ۱۱۶۰هجری قمری

جنس: از فولاد ساخته شده است و بالغ‌بر ۲۰۰۰ قبه مزین به یاقوت و زمرد، بدنه آن را زینت داده‌اند.

آثار باقی‌مانده: این ضریح حدود ۷۳ سال روی مقبره حضرت بوده و زیارت می‌شده است، تا اینکه هم‌زمان با نصب ضریح سیمین و زرین، به سرداب مطهر منتقل می‌شود.

ضریح پنجم: ضریح شیر و شکر

سال ساخت و نصب: ۱۳۷۹هجری قمری (۱۳۳۸خورشیدی)

جنس: نقره، طلا و انواع تزیینات جواهرنشان

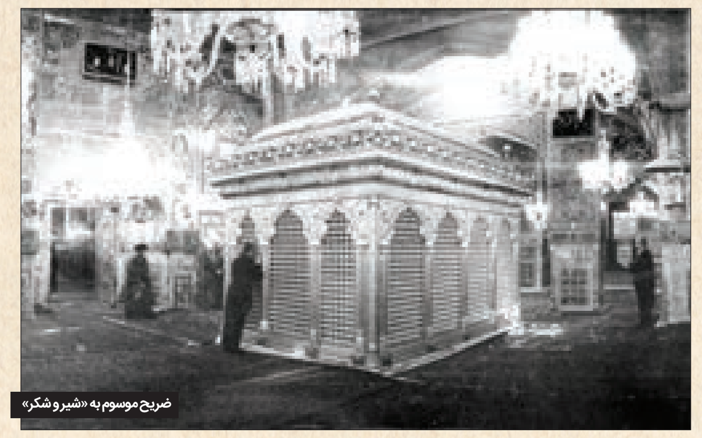
آثار باقی‌مانده: این ضریح هم‌اکنون در موزه آستان قدس قرار دارد.

ضریح ششم: ضریح سیمین و زرین (آفتاب)

سال ساخت و نصب: ۱۳۷۹ خورشیدی

جنس: در ساخت این ضریح، ۴۷ کیلوگرم طلا و ۳/۵ تن نقره استفاده شده است.

آثار باقی‌مانده: این ضریح هم‌اکنون روی مرقد مطهر حضرت رضا(ع) نصب است.



ضریح موسوم به «شیر و شکر»

بلدیه مشهد به روایت تاریخ

درباره تاریخ شکل‌گیری شهرداری مشهد که اسفند امسال ۱۱۲ ساله شد

طوبی اردلان|طبق اسناد تاریخی ۱۳اسفند، روز تشکیل بلدیه یا همان شهرداری امروزی در مشهد بود. خوب است بدانید که بلدیه مشهد در سال ۱۲۸۶ خورشیدی تأسیس شده و آغاز به کار کرده است اما اینکه این مهم چه روزی از چه ماهی رخ داده، محل اختلاف نظرهای بسیاری بوده است و اهل فن دیدگاه‌های متفاوتی درباره تاریخ تقویمی آن داشتند تا اینکه چندی پیش به همت پژوهش‌های مرکز اسناد روابط عمومی شهرداری مشهد، این تاریخ براساس مطالعه اسناد باقی‌مانده و گزارش‌های مکتوب در روزنامه‌های آن روزگار، کشف شد و این راز سربه‌مهر، ثمر داد.

آغاز به کار انجمن بلدی در مشهد

طبق این پژوهش که چندی پیش با حضور جمعی از تاریخ‌نگاران و خراسان‌پژوهان جمع‌بندی و تصویب شده، بلدیه مشهد که در ابتدا «انجمن بلدی» بوده، ۱۳اسفند در مشهد آغاز به کار کرده است. طبق این اسناد، در روز دوشنبه ۲۹محرم ۱۳۲۶ اولین جلسه انجمن بلدی با حضور منتخبان این انجمن تشکیل یافت. روز سه‌شنبه مجلس دوم انجمن بلدی در منزل جناب حاجی‌عبدالرحیم آقا(یکی از ۳۰عضو انجمن بلدی) انعقاد یافت و اعضای آن مطابق فصل مخصوص نظام‌نامه، قسم یاد نمودند. روز چهارشنبه ۱۳اسفند ۱۲۸۶ خورشیدی نیز مجلس سوم برگزار و «شاهزاده حاجی منتصرالملک» به کثرت آرا به ریاست انجمن بلدیه، انتخاب و ریاست اداره بلدیه نیز طبق ماده ۹۳ قانون بادیه به او سپرده شد. ماجرا از این قرار است که با تصویب قانون بلدیه، موضوع انتخابات اعضای انجمن بلدی در مشهد جدی می‌شود و در دستورکار وزارت داخله قرار می‌گیرد. ۱۷آبان ۱۲۸۶ خورشیدی متین‌السلطنه، روزنامه‌نگار و سیاست‌مدار دوران مشروطه، با دستور والی خراسان مأمور به برگزاری انتخابات وکلای بلدی و تأسیس انجمن بلدیه می‌شود. او در اسفند ۱۲۸۶ انتخاباتی برگزار می‌کند که در آن ۳۰نفر با اکثریت آرا به وکالت پذیرفته می‌گردند. اعضای این انجمن نیز طی جلسه‌ای «شاهزاده منتصرالملک» را به‌عنوان نخستین رئیس انجمن بلدیه انتخاب می‌کنند.

هر دوی این خبرها در صفحه دوم شماره شصت‌وچهارم روزنامه خورشید نیز درج شده است. پس از این، شاهزاده منتصرالملک مامور می‌شود اداره بلدیه را در مشهد ایجاد کند ولی دوره ریاست وی بر بلدیه با به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی در ۱۲۸۷ «شمسی» و آغاز دوران موسوم به «استبداد صغیر»، چندان به درازا نمی‌کشد. طبق گزارش درج‌شده در شماره ۳۶ روزنامه حبل‌المتین، شاهزاده منتصرالملک که تا آخر سال ۱۲۸۷ رئیس انجمن بلدی بود، با یوسف‌خان بیگلربیگی در انجمن ایالتی حاضر می‌شوند و از سمت خود استعفا می‌کنند اما اعضای انجمن در ۱۴فروردین ۱۲۸۸ مجددا شاهزاده مزبور را به انجمن ایالتی آورده، او را به‌سمت والی موقتی انتخاب می‌کنند. در ادامه این تغییرات با برکناری آصف‌الدوله، حاکم خراسان، رکن‌الدوله جای او را می‌گیرد. در این زمان غالب روزها بین مستبدان و مشروطه‌خواهان نزاع درمی‌گیرد، از همین‌رو طی چندماه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و همه ادارات جدیدالتأسیس از جمله بلدیه تعطیل می‌شود.

شهردارانی که کلانتر بودند

پیش از این، مجلس شورای ملی، قانون بلدیه را با ۱۰۸ماده تصویب و به توشیح محمدعلی‌شاه قاجار می‌رساند. طبق این قانون، انجمن بلدیه مرکب از اعضایی است که از محلات شهر انتخاب می‌شدند. تعداد اعضای انجمن بلدیه نیز در شهرهای بزرگ ۳۰نفر بوده است که برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شده‌اند. در این مواد مصوب، اهم وظایف انجمن بلدیه، انتخاب اجزای بلدیه و مستخدمان آن، تعیین مقرری برای مستخدمان ادارات بلدیه و ترتیب تکالیف و وظایف اداره بلدیه بیان شده است. طبق ماده ۹۳ قانون بلدیه نیز، اداره بلدیه تحت ریاست رئیس انجمن بلدیه خواهد بود و رئیس انجمن بلدیه که موسوم به «کلانتر» است، یک معاون به انتخاب انجمن بلدیه خواهد داشت.

تأسیس ادارات شهرداری، شهربانی و تشکیل انجمن شهری، ایالتی و ولایتی

میرزا حسن‌خان مسعودی‌خراسانی ملقب به «شجاع‌الایاله» متولد سال ۱۲۵۵ خورشیدی، پس از پایان دوران استبداد صغیر و تشکیل دوباره بلدیه، به‌عنوان دومین رئیس بلدیه، نامش در فهرست سمت‌داران ارض اقدس نوشته می‌شود. روزنامه حبل‌المتین در ۲فروردین ۱۲۸۹ می‌نویسد: «شجاع‌الایاله که باکفایت و کارآزموده بود، به‌سمت بیگلربیگی معین گردید.» طبق اسناد باقی‌مانده، دوران ریاست او نیز بر بلدیه مشهد دیرپا نیست، زیرا با برگزاری انتخابات انجمن بلدی مشهد در ۱۰اسفند ۱۲۸۹ شجاع‌الایاله که تا این زمان رئیس بلدیه بود، در انجمن جدید استعفا می‌کند. او در اوایل دوران مشروطیت به صف آزادی‌خواهان می‌پیوندد. تأسیس ادارات شهرداری و شهربانی و تشکیل انجمن شهری، ایالتی و ولایتی در مشهد، ازجمله خدمات اوست.

تشکیل شهرداری نوین

طبق تاریخ، با قدرت گرفتن یوسف‌خان هراتی در سال ۱۲۹۰ خورشیدی نظم شهر مشهد دوباره برهم می‌خورد و بلدیه نیز دچار اختلال شده، دوباره منحل می‌شود. حاجی مشاورالوزاره که پس از شجاع‌الایاله رئیس بلدیه مشهد بوده، از ریاست بلدیه کنار می‌رود و مدتی پس از آن رئیس مالیه سیستان می‌شود. پس از او کاشف‌الملک و احتشام‌نظام به ریاست انجمن بلدیه انتخاب و برای مدتی سکان‌دار امور می‌شوند. قوام‌السلطنه استاندار خراسان در سال ۱۲۹۸شمسی پس از استعفای احتشام نظام، دستور شروع انتخابات انجمن قانونی شهر را صادر می‌کند. در این انتخابات، حزب دموکرات برنده و هر ۳۰نفر اعضای انجمن شهر از این حزب انتخاب می‌شوند. پس از این انتخابات ازآنجاکه طبق قانون رئیس انجمن شهر، شهردار نیز بوده، «میرممتاز یا سالارممتاز» پس از کاشف‌الملک و احتشام‌نظام به سمت اولین شهردار قانونی انتخاب می‌شود و انجمن، اولین جلسه خود را در عمارت تلفن‌خانه واقع در خیابان خاکی که متعلق به ملک‌الشعرابهار بود، تشکیل می‌دهد و یکی دو اتاق این عمارت مجانی دراختیار شهرداری قرار گرفت. از اولین اقدامات بلدیه در زمان او اصلاح سنگ‌فرش کوچه‌ها و تأمین روشنایی شهر بود. همچنین شهرداری برای اولین‌بار فانوس‌های شیشه‌ای را که چراغ گاز نامیده می‌شد، تهیه کرد.

وظایف بلدیه مشهد در آغاز تأسیس

در فصل اول کتابچه قانون بلدیه آمده است: «مقصود اصلی از تأسیس بلدیه حفظ منافع شهرها و ایفای حوایج اهالی شهرنشین است. امور راجع‌به بلدیه از قرار تفصیل است.» بر همین اساس وظایف بلدیه این‌طور توضیح داده شده است: «اولا اداره کردن آنچه اهالی شهر برای اصلاح امور بلدیه به موجب قانون انجام می‌دهد. ثانیا اداره کردن اموال منقوله و غیرمنقوله و سرمایه‌هایی که متعلق به شهر است. ثالثا مراقبت از عدم قحطی آذوقه شهر به وسایل ممکنه. رابعا ساختن و پاک نگه داشتن کوچه‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها، کالسکه، باغ‌های عمومی، مجاری میاه و زیرآب‌ها، پل‌ها، معابر و... . همچنین روشن کردن شهر و تقسیم آب‌های شهری و مراقبت از تنقیه قنوات و پاکیزگی حمام‌ها. خامسا مراقبت از دفع تکدی و تأسیس دارالمساکین و دارالعجزه و مریض‌خانه و امثال آن. سابعا مواظبت در اینکه معابر شهری موافق نقشه معینی باشد و اقدامات مقتضیه بر ضد حریق و سایر بلیات سماوی و ارضی به عمل آید. ثامنا بیمه ابنیه متعلق به شهر از حریق. تاسعا معاونت در تکثیر معارف و مساعدت در دایر نمودن کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها و موزه‌ها و حفظ و مرمت مساجد و مدارس و ابنیه عتیقه. عاشرا مساعدت با دولت در ساختن بازارها و نمایشگاه‌های تجاری و کلیه مراقبت رواج حرفت و تجارت شهر و دایر نمودن محل تشخیص اسعار و معاملات عمومی.» تابعیت از همین قوانین در ادامه سبب ساخته شدن کشتارگاه‌ها، روی کار آمدن اصناف، نوانخانه، دارالمجانین، بهداری، مدرسه و همچنین لوله‌کشی آب، روشنایی شهر و تامین ارزاق عمومی مردم از سوی بلدیه می‌شود.



ساختمان اولیه بلدیه در خیابان ارگ

تأمین روشنایی شهر

با انتخاب یحیی مشاورالوزاره در اواخر اسفند ۱۲۸۹ به‌عنوان رئیس بلدیه، شمار شهرداران مشهد در سال‌های نخستین تشکیل شهرداری به عدد ۳ می‌رسد. طبق اسناد باقی‌مانده از آن دوره، او در ابتدای ریاستش با انتشار یک آگهی در جراید چنین بیان می‌کند: «چون بنای اداره بلدیه بر آسودگی و رفاه حال عموم است، از اول اسفند(غره ربیع‌الاول ۱۳۲۹) به بعد، بنا به تصویب انجمن بلدی، وجوه ماهیانه که سابقا جهت صرف و مخارج چراغ روشنایی از منازل دریافت می‌شد، به‌کلی موقوف و گرفته نمی‌شود و مخارج چراغ از عایدی نواقل داده خواهد شد و به‌زودی باقی نقاط شهر هم که چراغ ندارند، آماده‌کرده نصب خواهد شد.» خوب است بدانید که تأمین روشنایی شهر یکی از وظایف بلدیه در گذشته بوده است. بلدیه مشهد در سال ۱۳۱۴ اقدام به روشنایی محلات و معابر نموده و به صاحبان دکاکین و مغازه‌ها، دستور نصب چراغ در بالای تابلوهای مؤسسات را داده است. در سال ۱۳۳۶ بین «شرکت برق خسروی» و «شهرداری مشهد» تفاهم‌هایی صورت گرفت و شرکت جدید به نام «شرکت سهامی برق مشهد» تأسیس شد. سرانجام در سال ۱۳۴۳ «شرکت برق منطقه‌ای خراسان» تشکیل شد و مسئولیت تأمین برق شهرستان مشهد، ازعهده شهرداری خارج شد. در این دوران یک نفر در بلدیه سمت چراغچی را داشته است. وظیفه چراغچی بلدیه این بوده است که عصربه‌عصر با یک نردبان دور کوچه‌ها حرکت و لامپ چراغ را تمیز کند، در مخزن آن‌ها نفت بریزد و برای روشن کردن آماده نماید. همچنین به هر چراغچی ۱۵چراغ سپرده می‌شده که روشن کردن، خاموش کردن و نظافت آن‌ها را به‌عهده داشته است. محل‌هایی که چراغ نصب شده، نیز روزی یک دفعه جارو می‌شده است. همچنین در اردیبهشت همان سال از طرف اداره بلدیه به عموم اهالی مشهد اخطار داده می‌شود که چون یکی از وظایف اداره بلدیه تنظیف شهر است، باید اول همه کوچه‌های شهر به‌درستی سنگ‌فرش شده، بعد از آن هم خاکروبه و کثافت آن را بردارند که سلامتی مردم و هوای شهر فراهم شود، لذا اداره بلدیه ابتدای کوچه جلو اداره را سنگ‌فرش می‌کند و سپس باقی کوچه‌هایی که سنگ‌فرش نشده است را درمی‌یابد. همچنین مشاورالوزاره در اطلاعیه دیگری درباره مالیات نواقل اعلام کرد که طبق قانون، نواقلی که مخصوص اداره باشد، مانند نواقل قشون و حفظ‌الصحه و بلدیه از مالیات استثنا شده‌اند و نواقل شخصی مانند کالسکه و درشکه باید مالیات بپردازند. در تیر ماه اداره بلدیه در تنظیف شهر عملیات اساسی انجام داده، چند قبرستان داخل شهر را با دیوار ضخیمی می‌کشد. همچنین در چند نقطه شهر جایی برای ریختن خاکروبه ایجاد می‌کند که از آنجا توسط گاری‌های اداره به خارج حمل شوند. سنگ‌فرش کردن کوچه‌های شهر، تأمین چراغ‌های روشنایی، توقف تأمین مخارج چراغ روشنایی از منازل و تأمین آن از عایدات نواقل، تعیین شیوه کار چراغچی‌ها و دریافت مالیات نواقل از جمله اقدامات مشاورالوزاره در پست ریاست بلدیه مشهد است. تأمین نان و ارزاق یکی از مشکلات اساسی بلدیه مشهد در زمان ریاست مشاورالوزاره بود. علاوه‌بر این تأمین سوخت شهر نیز از وظایف بلدیه بود که طبق اسناد موجود، بلدیه در جلسه ۱۸مهر ۱۲۹۰ درباره تأمین زغال مذاکره می‌کند.

لوله‌کشی آب

به موجب اسناد موجود در بایگانی کل شهرداری مشهد، علاوه‌بر روشنایی و سنگ‌فرش کردن معابر، یکی دیگر از وظایف بلدیه در همان سال‌های نخستین، تأمین آب برای شهروندان بود. نخستین لوله‌کشی آب در شهر مشهد، به سال ۱۳۳۳قمری، دوران والیگری نیرالدوله در خراسان، صورت گرفت. وی لوله‌هایی فلزی، از دولت تزاری روسیه خریداری کرد و دستور داد آب را از منبع «باغ منبع» به «مسجد گوهرشاد» منتقل کنند تا زائران و مجاوران از آب تمیز، برای شرب استفاده کنند. در سال ۱۳۴۲ به موجب قانون شهرداری‌ها، اداره تأمین و توزیع آب از شهرداری جدا شد و سازمان مستقلی به نام «سازمان آب مشهد» تشکیل شد که مسئول تأمین و توزیع آب شهر بود. در ادامه با تشکیل بلدیه ازسوی دولت، درحدود سال ۱۲۹۶خورشیدی، اخذ مالیات از اصناف و نظارت بر ارزاق و نرخ کالاها، برعهده این اداره گذاشته شد و کارگزاران بلدیه، مسئول رسیدگی به عملکرد اصناف شدند. به‌تدریج، با گسترده شدن دامنه فعالیت‌ها و وظایف شهرداری، از اوایل دهه ۱۳۶۰ نظارت بر امور اصناف، ازعهده این اداره خارج و به وزارت بازرگانی و صنایع سپرده شد. ارزاق و مایحتاج اولیه، یکی دیگر از وظایفی است که در کتاب قانون بلدیه آمده است. بر همین اساس، بلدیه پس از تثبیت قیمت نان و اعلام قیمت‌ها در جرائد، درصورت تخلف نانوایان، با آن‌ها برخورد قانونی می‌کرد. نظارت بر ارزاق عمومی نیز، از اوایل دهه ۱۳۶۰ خورشیدی از عهده شهرداری خارج شد.

رسیدگی به امور مساکین

رسیدگی به امور مساکین نیز سبب می‌شود در سال‌های نخستین تشکیل بلدیه در مشهد، برای رسیدگی به شهروندان مستمند و بینوایان، مؤسسه‌ای با عنوان «دارالعجزه» تأسیس شود. شهرداری مشهد در هفتم آذر ۱۳۳۸ برای اشتغال افراد مستمند و به‌کارگیری متکدیان خیابانی، مرکزی به نام اردوی کار در خیابان دروازه‌قوچان تأسیس می‌کند که دارای عملکردهای متفاوتی بود. حدود ۱۰۰۰ مستمند در آن مرکز نگهداری می‌شدند و در کارگاه‌های پارچه‌بافی، نجاری، زیلوبافی، آهنگری، حلبی‌سازی و خیاطی به کار مشغول بودند. شهرداری مشهد در سال ۱۳۴۹ اقدام به تأسیس خانه سالخوردگان هم کرده است.

ساخت بهداری و درمانگاه

در تشکیلات بلدیه، مصوب ۳فروردین ۱۳۰۰، بلدیه دارای ۳ «اداره مرکزی»، «اداره محاسبات» و «اداره صحیه و معاونت عمومی» بوده است. اداره صحیه، امور بهداشت همگانی را به اجرا می‌گذاشت و چند مفتش صحی(بازرس بهداشتی) نیز داشت. اداره صحیه و معاونت عمومی بلدیه مشهد، چنان کارایی از خود نشان داد که بلدیه شهرهای دیگری نیز همین معاونت را بنیان گذاشتند. با توجه به اسناد موجود در بایگانی کل شهرداری مشهد، وظیفه صحیه بلدیه، رسیدگی به امور مربوط به بیماران مستمند یا زائران بستری در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های بلدیه، رسیدگی به امور دارالمجانین و شیرخوارگاه، رسیدگی به پاکیزگی گرمابه‌های عمومی، حمایت از معلولان و دفن اموات مستمند به‌طور رایگان بود. اداره صحیه بلدیه، همچنین، بر فروش و عرضه دارو در شهر نظارت داشت. در سال ۱۳۲۶ شهرداری مشهد ۲بیمارستان در شیرخوارگاه، یکی با ظرفیت ۴۰تختخواب و دیگری با ظرفیت پذیرش ۱۵۰طفل برای درمان کودکان بی‌سرپرست را با هدف افزایش امکانات رفاهی شهروندان احداث کرد. در سال ۱۳۳۰، یک بیمارستان ۶۵تختخوابی هم برای درمان بیماران بی‌بضاعت، در نوانخانه تأسیس شد. درنهایت در سال‌های آغازین دهه ۱۳۶۰خورشیدی، بیشتر وظایف مربوط به اداره صحیه بلدیه، به «وزارت بهداشت» و «سازمان بهزیستی» واگذار شد.

تأسیس دارالمجانین

به‌طور دقیق مشخص نیست که بلدیه مشهد در چه سالی اقدام به تأسیس دارالمجانین(تیمارستان)، برای نگهداری از بیماران روانی کرده است اما آنچه مسلم است، از سال ۱۳۰۹ این مرکز تحت نظارت شهرداری مشهد، فعالیت می‌کرده است. شهرداری مشهد، درسال ۱۳۲۶(دوران تصدی عبدالعظیم احمدی) شیرخوارگاهی برای نگهداری اطفال بی‌سرپرست، در حاشیه شمالی خیابان بهار، نزدیک کارخانه نخریسی، تأسیس می‌کند اما رسیدگی به امور آن، در اوایل دهه ۱۳۶۰ از عهده شهرداری خارج و به بهزیستی واگذار می‌شود.

ساخت رخت‌شوی‌خانه و نظارت بر بهداشت عمومی

ساخت رخت‌شوی‌خانه یکی دیگر از خدمات بلدیه در سال‌های نخستین خدمت است. در گذشته، به‌دلیل نبود آب لوله‌کشی در مشهد، مردم البسه خود و خانواده‌شان را در کنار جوی آب می‌شستند. ازآنجاکه بیشتر مردم، علاوه بر قنات‌ها و کاریزها، برای مصارف روزانه، از جوی آب نیز استفاده می‌کردند، با شیوع بیماری‌های واگیر، بلدیه مشهد درصدد احداث رختشوی‌خانه برآمد تا آبی که با شستن البسه آلوده می‌شود، به‌سمت اراضی خارج از شهر هدایت شود و در مصارف روزانه استفاده نشود. بدین منظور، رخت‌شوی‌خانه‌هایی نزدیک دروازه‌های شهر و در محلی که آب به خارج از شهر هدایت می‌شد، ساخته شد. مدت‌ها پس از لوله‌کشی آب منازل، رخت‌شوی‌خانه‌ها به‌منظور استفاده زوار، دایر و مورد استفاده بوده‌اند. (برادران قاسمی، تاریخچه شهرداری مشهد).

منابع: اسناد موجود در بایگانی مرکز اسناد شهرداری مشهد، تاریخ شهرداری مشهد از برادران قاسمی، گزارش چاپ‌شده در سال ۱۳۹۱ درباره تاریخ شهرداری مشهد از شبنم کرمی در روزنامه شهرآرا. کتاب مشهد در آغاز قرن ۱۴ به تصحیح مهدی سیدی و...